

نقش امیرعلیشیرنوایی در رونق هنر خوشنویسی عهد تیموری (۹۰۶-۸۷۶ هجری قمری)*

محمدحسن الهی زاده^۱، کبری محمد دوست لشکامی^۲، علی نجف زاده^۳

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه بیرجند

۳- عضو هیات علمی و عضو گروه افغانستان شناسی دانشگاه بیرجند

چکیده

دربار تیموریان مرکز شکوفایی هنرهای نظیر نقاشی، معماری، تذهیب، کتاب آرایبی و موسیقی بود و خطاطی و خوشنویسی در بین هنرهای این دوره اهمیت ویژه‌ای داشت. به همین جهت کتاب‌ها و کتیبه‌های متعدد از این دوره باقی مانده که حاصل فعالیت خطاطان صاحب فن در سبک‌های مختلف است. امیرعلیشیر نوایی، وزیر هنر دوست دوره سلطان حسین بایقرا، یکی از حامیان ویژه خطاطان و کاتبان بود و در دوره وی علاوه بر نگارش و تذهیب کتب مختلف، کتیبه‌های زیادی زینت‌بخش بناها شد و مکتب هرات دوره طلایی هنر خطاطی گردید. مسأله اصلی اینجاست که چگونه شخصیت و تدابیر امیرعلیشیر نوایی در رونق و رشد هنر خوشنویسی مؤثر بود. پاسخ سؤال را باید در علاقه او به ثبت و ضبط مجالس و وقایع، نگارش کتیبه‌های مختلف بناهای خیریه و مساجد برای نشان دادن قدرت و گسترش و تبلیغ دین، کتابت کتب جدید و علاقه او به خلق آثار هنری به جهت شکوه و قدرت جستجو کرد.

از این رو در پژوهش حاضر ضمن بررسی موقعیت و جایگاه خطاطان در دربار امیر، با معرفی مهمترین خطاطان و خوشنویسان مهم معاصر با او، نقش دربار امیر را در رونق این هنر تبیین می‌نماییم. در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: عهد تیموری، امیرعلیشیر نوایی، معماری، خطاطان، خراسان.

1. Email: mhelahizadeh@birjand.ac.ir
2. Email: k.mohammaddost@yahoo.com
3. Email: anajaf@birjand.ac.ir

مقدمه

تیموریان سلسله‌ای بودند که در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم بر خراسان بزرگ و ماوراءالنهر حکومت می‌کردند. آنان طی حدودا یک قرن و نیم حکومت (۷۷۱-۹۱۲هـ) به تدریج از فرهنگ مغولی-ترکی خود فاصله گرفته و جذب فرهنگ ایرانی-اسلامی شدند.

در این عهد، هنر و انواع شاخه‌های آن نظیر نقاشی، کتاب آرایی، معماری، موسیقی و خوشنویسی مورد توجه قرار گرفت. رواج انواع هنرها بویژه خوشنویسی در این عهد به قدری بود که سلاطین تیموری و امراء آنان نیز وارد عرصه هنر شدند. بایسنقر میرزا و ابراهیم سلطان، فرزندان شاهرخ تیموری، در زمینه خوشنویسی به چنان تبحر و مهارتی رسیده بودند که در زمره خطاطان ممتاز عصر تیموری محسوب می‌شدند. آنان در تشویق و ترغیب خطاطان و رواج خوشنویسی نقش بسزایی داشتند. بایسنقر میرزا در خط ثلث مهارت داشت و به گردآوری کتب و استنساخ آن‌ها نیز علاقمند بود، چنانکه در کتابخانه و کارگاه او چهل نفر از خوشنویسان برجسته، به سرپرستی جعفر بایسنقری به استنساخ کتب مذهبی، علمی، تاریخی و ادبی مشغول بودند، استنساخ شاهنامه فردوسی از مهم‌ترین فعالیت‌های این گروه است. ابراهیم سلطان نیز در امر کتابت مهارت ویژه‌ای داشت و به شیوه یاقوت مستعصمی می‌نوشت چنان که تشخیص دادن آن از خط یاقوت مشکل بود (مجتبوی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

از دیگر شخصیت‌های فرهنگی و هنری وابسته به حکومت تیموری، امیرعلیشیر نوایی وزیر دانشمند و هنر دوست سلطان حسین بایقرا است. او که خود در فن تذهیب، تصویر و کتابه‌نویسی مهارت داشت، از جنبه‌های مختلفی بر جریان‌های فرهنگی و هنری عصر خود تاثیر گذاشت. او هرات را به مرکز شعر و ادب، موسیقی، نقاشی، تذهیب و خطاطی مبدل کرد و سبب شد هنرمندان از هر سو به هرات رو آورند. رونق مکتب هرات تا آنجا رسید که هنرورزان، در کسب هنر و استفاده از امکانات و بهره‌مندی از محضر استادان این مکتب رقابت داشتند و

فارغ‌التحصیل شدن در هرات را افتخار می‌دانستند. در نتیجه هنرمندپروری این وزیر هنرمند و هنردوست، انواع هنرها از جمله خطاطی و کتابه‌نویسی پیشرفت کرد و سبب انتقال هنرهای مکتب هرات بویژه خوشنویسی به دیگر شهرها و مناطق همجوار شد.

پیشینه

مقالات زیادی در مورد شخصیت امیرعلیشیر نظیر «امیرعلیشیر نوایی بزرگترین شخصیت ترک» اثر زکی ولیدی طوغان، «مناسبات امیرعلیشیر نوایی با سه تن از نخبگان فرهنگی همعصرش» اثر محمدی و حسینی، «نوایی نظام‌الملک ثانی و امیرکبیر خراسان» اثر رادفر، «نظام‌الملک ثانی امیرعلیشیر» اثر قاضی، «امیرعلیشیر نوایی و عصر او» اثر یگانیا، «امیرعلیشیر نوایی» اثر نیکو همت، «درخشان‌ترین چهره دربار هرات» اثر نیرسینا نوشته شده و بیشتر این پژوهش‌ها درباره شخصیت و دربار امیرعلیشیر است. برخی دیگر از پژوهش‌ها به طور تخصصی‌تر خوشنویسان دربار امیرعلیشیر را مورد بررسی قرار دادند که مقالات «سلطان علی مشهدی خوشنویسی در طلب معبود» اثر شمس فلاورجانی، «بنائی هروی» اثر الحق کوثر، «سلطان علی مشهدی و خط نستعلیق» اثر شیرین بیانی، «سلطان علی مشهدی» اثر اقبال آشتیانی، «میرعلی هروی خوش‌نویس صوفی مشرب» اثر آشتیانی و... از آن جمله‌اند و مقاله «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری» اثر عابدین پور جوشقانی و دیگران، نیز به‌طور کلی خوشنویسی دوره تیموری را مورد بررسی قرار داده‌است. با این حال، تاکنون پژوهشی که نقش امیرعلیشیر نوایی در رونق هنر خوشنویسی دوره تیموری را مورد بررسی قرار داده‌باشد، انجام نگرفته‌است و ضرورت دارد در این خصوص پژوهش مستقلی با تکیه بر منابع متقدم انجام شود.

هدف این مقاله بررسی نقش امیرعلیشیر در ترویج و تعالی هنر خوشنویسی دوره تیموری می‌باشد و به دنبال پاسخ به سوال ذیل است:

واگذار کرد. سپس در ۸۷۶ هـ ق به منصب امارت دیوان اعلی یا صدر اعظمی دربار تیموری نائل شد. در ابتدا امیرعلیشیر از قبول آن خودداری می‌کرد، اما در پی اصرارهای سلطان پذیرفت (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۱۵۹).

امیر در دولت تیموری منشاء خدمات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شد. بر همین اساس در دیباچه موقوفاتش آورده است: «از آنجائی که دست بیداد هیچگاه از تعدی کوتاه نمی‌گردد و صرصر ظلم از کشتن چراغ مظلوم و کین از سوختن خرمن بیچارگان باز نمی‌ایستد، تا آنجا که ممکن بود به شکایت دادخواهان رسیدگی می‌کردم و دست متعديان از سر آنها کوتاه می‌نمودم و سلطان را از چگونگی امر آگاه می‌ساختم. با آن که مردم از وضع و شریف و از سپاهی از دولت‌مند تا فقیر در کارهای خود به من مراجعه می‌کردند، من در اصلاح آن می‌کوشیدم، ولی از کسی طمع مزد نداشتیم و از هیچکس منتی قبول نکردم. هر چند در این باب رنج فراوان می‌بردم چون منت و مزدی در میان نبود آن رنج بر خود گوارا می‌دانستم. برای آن که مزرعه معاشم به یکباره نخشکد، بر حسب امر سلطانی به چیزی از زراعت اشتغال می‌ورزیدم و چون در این شغل جانب شریعت و انصاف را کاملاً مراعات می‌کردم، از عنایت خداوندی نفع بسیار می‌بردم و از عواید آن نعمت خود، به اندک مایه پوشاک و خوراک می‌ساختم و بقیه آن صرف امور خیریه و بنای بقاع می‌نمودم و ثواب تمامت آن را وقف روزگار آنحضرت می‌کردم» (نوایی، ۱۳۶۳: مقدمه کا). از سخنان امیرعلیشیر این نتیجه حاصل می‌شود که وی با کمک ها و خدماتش در تمام طبقات، از گزند حسودان و رقیبانش در امان نبوده است با وجود این امیرعلیشیر، نزد سلطان حسین به چنان ارج و قرب منزلتی دست یافت که پس از سلطان او را شخص دوم مملکت به حساب می‌آوردند و در فرمان‌ها و منشورهایی که برای او صادر می‌شد این عنوان را می‌نوشتند: «جناب هدایت مآب عالی قباب، زبده ارباب دین و دولت، قده اصحاب ملک و ملت، مؤسس الخیرات و موثق المیرات، رکن السلطنه، عماد المملکه، اعتضاد الدوله الخانی، مقرب الحضرة

اهداف امیرعلیشیر نوایی از توجه به خوشنویسان چه بود و چه تأثیری بر رونق این هنر داشت؟
فرضیه: امیرعلیشیر خطاطان را به دلیل نشان دادن قدرت و جاودان ماندن نامش، تشویق و ترغیب می‌کرد.

حیات سیاسی و اجتماعی امیرعلیشیر

امیر نظام‌الدین علیشیر، در دوران حکومت شاهرخ میرزا در ۱۷ رمضان ۸۴۴ هـ ق در هرات چشم به جهان گشود. پدرش امیرغیاث‌الدین از درباریان شاهرخ و جد مادری‌اش میر شیخ ابوسعیدچنگ، امیرالامرای میرزا بایقرا بود. مادرش، در دربار تیموریان دایگی می‌کرد و به همین سبب او عنوان کولکلتاش (برادر رضاعی) سلطان حسین بایقرا داشت. پدر امیرعلیشیر، پس از مرگ شاهرخ، با خانواده به شیراز رفت. امیرعلیشیر در ده سالگی به خدمت ابوالقاسم بابر میرزا، پسر بایسنقرین شاهرخ در مشهد درآمد. پس از اندک زمانی، علیشیر آنچنان توجه بابر را به خود جلب کرد که بابر از روی علاقمندی او را فرزند خطاب می‌کرد. در این زمان بود که او با سلطان حسین بایقرا هم‌مکتب گردید (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۳۳). پس از فوت بابر، امیرعلیشیر به مرو رفت و در آنجا به تحصیل مشغول شد. بعد از مدتی او به هرات که زیر سلطه ابوسعید گورکانی بود رهسپار شد ولی از او استقبال نشد، از همین رو هرات را رها کرد و به سمرقند رفت. در سمرقند امیر درویش ترخان و امیراحمد حاجی که «صاحب اختیار سرکار ماوراءالنهر بود» از امیر علیشیر حمایت می‌کردند (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۱۳۷). در آنجا امیر در مدرسه خواجه فضل‌الله ابوللیثی، که ابوعلی سینای ثانی‌اش می‌خواندند، به تحصیل علوم پرداخت و از مریدان او شد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۱). هنگامی که سلطان حسین بایقرا در هرات به قدرت رسید، نامه‌ای به سلطان احمد میرزا نوشت و خواست که علیشیر به هرات فرستاده شود، به این طریق امیر به خدمت سلطان حسین درآمد (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۳۴). سلطان ابتدا منصب مهرداری اعظم را به او سپرد. اما او این منصب را نپذیرفت و این مقام را به شیخ احمد سهیلی

حکومت داشت، هیچ‌گاه از مطالعات علمی و تألیفات مختلف دست برداشت. مصنفات و تألیفات امیر بدین شرح است: حیره‌الابرار، فرهاد و شیرین، مجنون و لیلی، سدسکندری، قصه شیخ صنعان، خمسه‌المتحرین، منشآت ترکی، تواریح، عروض، مفردات (در فن معما)، وقفیه، حالات سیدحسن اردشیر، حالات پهلوان محمد ابوسعید، مجالس النفاث و دیوان غزلیاتش به ترکی: غرایب الصغر، نوادرالشباب، بدایع الواسط و فوایدالکبر (واله اصفهانی قزوین، ۱۳۷۹: ۶۶۹).

آن‌گونه که در «دیباچه موقوفات میرعلیشیر» آمده‌است، امیر از راه زراعت و املاکی که داشت دارایی‌های در خور توجهی اندوخته‌بود. او از آن دارائی‌ها، بخشش‌های فراوانی به عالمان و هنرمندان روزگارش می‌کرد. چنان‌که در برخی از روایت‌ها آمده‌است او به کسانی که در رشته‌های مختلف علمی و هنری فعالیت می‌کردند، حقوق ماهانه پرداخت می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۴۶). چنان‌که روایت است: به دستور امیرعلیشیر دو مدرس برای تعلیم در دو صنف شرقی و غربی مدرسه اخلاصیه هرات تعیین شده‌بود که یکی درس اصول و فروع فقه و دیگری درس اصول و فروع حدیث را تعلیم می‌دادند. برای هر یک از این دو مدرس سالانه یک‌هزار و دویست سکه طلا و بیست و چهار بار غله که یک سوم آن جو و دو سوم آن گندم بود به عنوان مقرری تعیین شد. هر کلاس نیز می‌بایست یازده محصل داشته‌باشد. برای این محصلین نیز براساس سابقه تحصیل، مقرری سالیانه‌ای در نظر گرفته شده‌بود (نوایی، ۱۳۶۳: مقدمه کج). این تقسیم‌بندی علاوه بر این‌که دل‌بستگی امیرعلیشیر را به علم و هنر نشان می‌دهد، بیانگر این است که امیرعلیشیر با فراهم کردن امکانات برای کسب علم و دانش و هنر بین دانش‌اندوزان و هنرمندان انگیزه رقابت و تلاش را برمی‌انگیخت.

نمونه‌های مشابه، بسیاری از حمایت‌های امیرعلیشیر از عالمان و هنرمندان بویژه خوشنویسان را نشان می‌دهد که متأسفانه منابع صرفاً به ذکر نام حمایت‌شوندگان بسنده کرده‌اند. امیر بناهای آموزشی زیادی مانند مدرسه اخلاصیه، مدرسه شفائییه و مدرسه نظامیه در هرات، مدرسه خسرویه در مرو

السلطانی، نظام الحق و الحقیقه والدین، امیرعلیشیر ضاعف الله توفیقه» (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۶۶۸). بنابراین درباریان برای دور کردن امیر از دارالسلطنه هرات، از سلطان خواستند که حکومت ایالت استرآباد را به او واگذار کند، در نهایت امیرعلیشیر در سال ۸۹۲ هـ ق به حکومت استرآباد منصوب شد، اما پس از یک سال حکومت در آن ایالت استعفا داد و به هرات بازگشت و سرانجام در سال ۱۳ جمادی الثانی ۹۰۶ بر اثر عارضه قلبی درگذشت (واحدی جوزجانی، ۱۳۴۶: ۱۰). خواندمیر تأثیر انتشار خبر مرگ امیر را چنین تشریح کرده‌است: «... علی الصباح که خورشید خاوری از باطن نیلوفری مانند شعله اندوه از درون ماتم‌زدگان ظاهر شد این خبر محنت اثر در دارالسلطنه هرات اشتها یافت... علماء اعلام را عمامه عزت از سر افتاده، متحیر شدند که دیگر تربیت از که یابند و فضلاء لازم الاحترام را خلعت شکیبائی چاک گشته ندانستند که من بعد به مجلس که شتابند» (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۲۵۵).

حیات فرهنگی امیرعلیشیر

امیرعلیشیر، طی سی سال که به لطف و مرحمت سلطان بر اریکه قدرت تکیه داشت، با گردآوری علما و هنرمندان در هرات این شهر را به مرکز فرهنگی و هنری تبدیل نمود. او که خود در شعر تبحر داشت حمایت از اهل ادب و فضلا و هنرمندان را در رأس امور قرار داد و چنانکه در مجالس النفاث آمده‌است: «روی به تربیت ارباب فضل و کمال آورد ... و آن مقدار بی‌مثل و نادر از خطاطان و خواننده و نقاش و مذهب و مصور و محرر و معمائی و شاعر که بترتیب او در نشو و نما آمده معلوم نیست که در هیچ زمانی جلوه کرده‌باشد، او نیز از فنون این جماعت بهره تمام داشت» (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۳۵-۱۳۶). در اثر حمایت‌های امیرعلیشیر در عرصه علوم ادبی، دینی، تفسیر و سیره نبوی آثار بسیاری تألیف و ترجمه شده که نام او در آن آثار به بزرگی یاد شده‌است و نشان از حمایت امیر از اهل هنر و ادب است. او با وجود همه دغدغه‌هایی که در امور

می‌توان به خوشنویسان زیر اشاره کرد:

- سلطانعلی مشهدی از خوشنویسان مشهور نستعلیق، معروف به سلطان الخطاطین، از شاگردان اظهر تبریزی بود. او از جمله هنرمندانی بود که در جوانی به دعوت سلطان ابوسعید میرزا به هرات رفت و مورد توجه سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی قرار گرفت (کاوسی، ۱۳۸۹: ۳۶۰). او در کتابخانه سلطنتی به کتابت اشتغال داشت و در نسخه‌های خطی نام خود را کاتب‌السلطان قید می‌کرد (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۶۰). امیرعلیشیر همیشه سلطانعلی را مورد حمایت خود قرار می‌داده و او نیز در کتابت آثار، سستی از خود نشان نداده است (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۲۷). خواندمیر در شرح حال سلطانعلی مشهدی نوشته است: سلطانعلی به التماس و تمنای امیرعلیشیر نوایی «به کتابت نسخ شریفه می‌پرداخته» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴: ۳۵۲) و آن‌گونه که در گلستان هنر آمده است او اوراق کتاب مجالس النفائس امیرعلیشیر را در حوض آب‌خانه امیر بر سنگ مرمر نوشته است (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۶۱). تکریم و الطاف امیر به او سبب احترام و تعظیم صنف نسخه‌نویسان، خوشنویسان و کتاب‌آریان این دوران نسبت به او شد (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۴۶). نوایی در مجالس النفائس در مورد سلطانعلی آورده است: «امروزه در خراسان و اکثر بلاد، قبله‌الکتاب است و قلم و اقلیم نستعلیق او را یک قلمه مسلم شده و به اخلاق حمیده و اطوار پسندیده چنان آراسته و پیراسته است که زبان قلم از شرح آن عاجز و دست قلم‌زن قاصر است و طبعش نیز خوب واقع شده است» (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۰۰-۱۰۱). بیشتر سنگ مزار شاهزادگان و درباریان در اواخر دوره تیموری توسط سلطانعلی مشهدی نگاشته شده است (تصویر ۱). چنانکه روایت است: روزی سلطان حسین از او خواست تا سنگ قبری برایش فراهم کند، اما سلطانعلی از این کار امتناع کرد و قبول آن را مبنی بر صرف زمان زیادی دانست، لیکن با پاسخ سلطان قانع شده و سنگ قبری بی‌نظیر برای سلطان ساخت که چشم هر بیننده را خیره می‌کرد (ایرانی، ۱۳۴۵: ۱۵۹-۱۶۰). این روایت علاوه بر تأیید ارج و قرب سلطانعلی در دربار سلطان و وزیرش امیرعلیشیر،

و... تأسیس کرده است که سبب آموزش و ترویج خوشنویسی در کنار علوم و هنرهای دیگر شده است، همچنین کتابخانه او از مهم‌ترین کتابخانه‌های زمان خود محسوب می‌شده که در آن خوشنویسان و نگارگران و هنرمندان دیگر مشغول به کار بوده‌اند. او هزینه‌های بسیاری صرف تألیف و تدوین کتاب‌های نفیس کرده که به وسیله ماهرترین خوشنویسان و تذهیب‌کاران نوشته شده و تزیین گردیده بود (زمچی اسفرازی، ۱۳۳۸: ۲۹). این رویکرد مسبب انتشار نسخه‌ها و کتاب‌هایی در زمینه‌های مذهبی (به خصوص قرآن)، علمی، تاریخی گردیده که تا امروز نیز باقی مانده است. همچنین امیر برای تربیت خطاطان و کاتبان همت زیادی گماشت و همواره برای فراغت و رفاه آنان کوشا بود، از این‌رو در این زمان از خطاطان در امور اجرایی، اداری و خلق آثار هنری نیز استفاده می‌شد. در ادامه به بیان چگونگی این رویکرد و بررسی اهداف امیرعلیشیر و ثمرات آن پرداخته می‌شود.

توجه امیرعلیشیر به خوشنویسی

خوشنویسان مشهور این دوران که پرورش‌یافتگان و تربیت‌شدگان استادان عهد شاهرخی، نظیر میرعلی تبریزی، جعفر بایسنقری و اظهر تبریزی بودند با تشویق و توجه امیرعلیشیر توانستند در این دوره آثار زیاد و قابل‌توجهی خلق کنند.

در کتابخانه امیرعلیشیر، خوشنویسان معروفی نظیر مولانا سلطانعلی مشهدی، خواجه محمد حافظ، مولانا سلطانعلی قاینی، مولانا زین‌الدین محمود، مولانا عبدالجمیل، مولانا سلطان محمد خندان، مولانا علاء‌الدین محمد، مولانا بحرانی، مولانا عدیمی و مولانا سلطانعلی سبز مشهدی مشغول به کتابت و نسخه‌نویسی بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۳۷-۲۳۹). آن‌ها علاوه بر مهارت در نوشتن خط نستعلیق که عموماً برای نگارش کتب مورد استفاده قرار می‌گرفت، در نگارش سایر خطوط یعنی ثلث، ریحان، محقق، نسخ، توقیع، رقع و کوفی نیز تبحر کافی داشتند (حبیبی، ۱۳۵۴: ۹۸). این خوشنویسان به تولید و تدوین آثار فرهنگی با ارزشی پرداختند که امروزه زینت‌بخش مجموعه‌ها و موزه‌های ایران و جهان می‌باشند. در این میان

بیانگر علاقه آنان در نگارش کتیبه‌های مختلف برای بناهای عام‌المنفعه نظیر مساجد و آرامگاه‌ها است که از آن برای نشان دادن قدرت مالی و سیاسی استفاده می‌کردند.



تصویر ۱: کتیبه سنگ قبر پسر سلطان حسین به خط سلطانعلی مشهدی (مآخذ: دانشنامه تاریخ معماری ایران‌شهر).

مخزن الاسرار، دیوان حافظ، غزلیات ترکی شاهی، رساله گل و مل، دیوان سلطان حسین بایقرا، مناجات نامه خواجه‌عبدالله انصاری، بوستان سعدی، چهل حدیث ترجمه منظوم جامی، خمسه نوائی و دیوان ترکی نوائی، قواعد الخطوط سلطانعلی، غزلیات شاهی، دفتر پنجم مثنوی، کلیات خواجوی کرمانی، گلستان سعدی، دیوان امیرشاهی (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۵۹-۲۶۱) با حمایت امیرعلیشیر و به همت سلطانعلی نگاشته شد. حدود ۴۷۰ قطعه مرقعات بهرام میرزا، امیرغیب بیگ، شاه اسماعیل، شاه طهماسب، شاه عباس صفوی و مرقعات دیگر که زینتبخش موزه‌ها و مجموعه‌های ایران و جهان می‌باشد (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۶۱؛ رضائی نبرد، ۱۳۸۹، ۱۷۴) نیز از دیگر آثار به جای مانده از هنر خوشنویسی سلطانعلی می‌باشد.

سلطانعلی قاینی از معاصران سلطان علی مشهدی است که در سایه حمایت امیرعلیشیر به دربار سلطان حسین بایقرا، راه یافت و به تعلیم فرزندان سلطان حسین پرداخت (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۳۶). وی جزء مجلسیان امیرعلیشیر نوایی گردید و هر آنچه را جامی و امراء خاصه سلطان حسین بایقرا تالیف می‌کردند او به خط خوش می‌نگاشت (ایرانی، ۱۳۴۵: ۱۶۱). در مجالس النفائس آمده است: «... اما روزی به او کتابتی فرموده شد، در تعیین مزد کتابت مبالغه را به جایی رسانید که هر بیت من بیک تنکه می‌ارزد، به یک معنی دور نگفت چرا که سخنانی که او می‌نویسد بهر چه گویند می‌ارزد» (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۰۱). آثار او عبارتند از: نسخه‌هایی از دیوان جامی، ظفرنامه تیموری، زبده الحقایق عین‌القضاة همدانی، دیوان امیرعلیشیر نوایی، لمعات عراقی، مثنوی جمال و جلال محمد آصفی و مرقعات (سرمدی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

مولانا عبدالجمیل خوشنویس، از کاتبان کتابخانه امیرعلیشیر است که اشعار ترکی امیر را در دیوانی به نام تحفه السلاطین خوشنویسی کرده و آن را به سلطان حسین بایقرا تقدیم نمود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۳۹). مولانا شیخ عبدالله کاتب، از دیگر کاتبان دستگاه امیر و نزدیک به چهل سال در خدمت او بوده و «از موانست و مصاحبت او بهره‌عام یافته و توانست خط تعلیق

سلطانعلی به چنان شهرتی رسیده بود که نسخه‌هایش را علاقه‌مندان و بزرگان هنر جمع‌آوری می‌کردند، در این میان می‌توان به سلطان یعقوب آق‌قویونلو که خود از خوشنویسان بوده است اشاره کرد که نسخه‌هایی به خط سلطانعلی را جمع‌آوری می‌کرد (شمس فلاورجانی، ۱۳۸۵: ۹۱). او در کنار نسخه‌نویسی آثار سلطان و وزیرش، نسخه‌های آثار اهل ادب و فضل و دیگر اصناف را هم کتابت می‌کرد که می‌توان به کتابت دیوان گلخنی استرابادی (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۴۶) و کتیبه حمام خلیل نیزه‌چی (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۲۷) اشاره کرد. آنچه از آثار خطوط سلطانعلی در سایه الطاف و مرحمت سلطان حسین و امیرنظام‌الدین علیشیر نوایی باقی مانده است، شامل سه قسم می‌باشد: کتیبه‌ها، کتاب‌ها و مرقعات. کتیبه مزار خواجه‌عبدالله انصاری، سنگ قبرهای محمدبن بایقرا، سلطان ابراهیم بن منصور، احمدبدیع میرزاین منصور، محمد مظفر میرزا بن منصور که همگی در بیرون شهر هرات قرار دارند (رضائی نبرد، ۱۳۸۹: ۱۷۳) و کتیبه‌های عمارت و منازل باغ جهان‌آرا مشهور به باغ مراد، اوراق کتاب مجالس النفائس امیرعلیشیر که در حوض آب خانه امیر به سنگ مرمر نوشته بوده است (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۶۱) از آثار کتیبه‌نویسی او می‌باشد. کتب گوی و چوگان، رباعیات خیام، تحفه الاحرار جامی،



تصویر ۲: معراج حضرت محمد(ص) در صفحه‌ای از یک نسخه بوستان سعدی متعلق به قرن نهم هجری قمری به خط سلطان محمد نور.

سلطان محمد خندان از دیگر شاگردان سلطانه‌لی مشه‌دی است که از اوان جوانی به خدمت امیرعلیشیر نوایی درآمد و از الطاف او بهره می‌برده‌است (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۶۸). مهم‌ترین آثار او عبارتند از: نسخه‌هایی از یوسف و زلیخای جامی، سبحة‌الابرار جامی، بوستان سعدی، دیوان حافظ، دیوان ترکی امیرعلیشیر نوایی، قران‌السعدین امیر خسرو دهلوی و مرقات (تصویر ۳) که در مجموعه‌ها و موزه‌های ایران و جهان موجود هستند (سرمدی، ۱۳۶۳: ۲۸۳).

جایگاه سلطان محمد در دربار امیر تا آنجا ترقی کرد که شاگردان بسیاری در دربار پرورش داد از جمله یاری شیرازی که علاوه بر مهارت در خط، نقاش، شاعر و مذهب نیز بود (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۷۰). امیرعلیشیر درباره او نوشته‌است که او از شیراز به خراسان آمده بود او را به نقاشان سپردم، تعلیم دید تا استاد شد «والحق این ملا یاری عجب نقش ها بر روی کار آورد، در وادی تحریر و تذهیب از بی مثالن روزگار بود» (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۱۴۴). او به چنان مهارتی دست یافت که مهر پادشاه، امرا و وزرا را تقلید می‌کرد و «پروانجات و نشان‌ها نوشت و به ولایات فرستاد بعد از وقوف او را بخشیدند» (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۱۴۴).

و نستعلیق را در نهایت لطافت بنگارد» (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۸۶). خواجه محمد حافظ، سرآمد خطاطان و اهل فضل و هنر که هر شش قلم را به‌خوبی می‌نگاشت، از مخصوصان دربار امیرعلیشیر بود و در سایه التفات و الطاف امیر منصب امامت و خطابت مسجد جامع و پیشنمازی امیر نیز در اختیار داشت (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۶۱).

دربار امیرعلیشیر نه تنها محلی برای حمایت از خوشنویسان و رونق هنر خوشنویسی بود، بلکه تبدیل به مرکزی برای تعلیم خوشنویسان و تربیت نسلی جدید از خطاطان شد. مثلاً سلطانه‌لی مشه‌دی با حمایت‌ها و توجه امیرعلیشیر توانست در آرامش و آسایش زندگانی کند و شاگردانی زبردست و توانا نظیر سلطان محمد نور، سلطان محمد خندان، محمد ابریشمی، زین‌الدین محمود و مولانا محمدقاسم شادی شاه، عبدی نیشابوری و... را تربیت نماید (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۵۲). در واقع استادان خط دوره‌های بعدی همگی با واسطه شاگرد سلطانه‌لی بودند (عابدین پور جوشقانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۱). سلطان محمد نور از شاگردان سلطانه‌لی مشه‌دی در این دربار پرورش یافت و از ملازمان و کاتبان امیرعلیشیر شد. او در اثر توجه و حمایت این وزیر ترقی نمود و به مقام رفیعی در خوشنویسی نائل شد (بیانی، ۱۳۶۸: ۳۳). به طوری که خواندمیر آورده‌است: «... بارها از زبان الهام بیان آن حضرت استماع نموده که خط نستعلیق را حالا هیچکس نزدیک‌تر به خط مولانا سلطان علی مانند او نمی‌تواند نوشت» (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۶۲). در مجالس‌النفائس نیز آمده‌است: «خط را بسیار خوب می‌نویسد» (نوایی، ۱۳۶۳: ۹۹). آنچه از آثار خطی او باقی مانده‌است عبارتند از: نسخه‌هایی از ظفرنامه تیموری، تألیف شرف‌الدین علی یزدی به خط نستعلیق با تذهیب میرعماد و نقاشی بهزاد، اشعار سعدی و جامی، بوستان سعدی (تصویر ۲)، گلستان سعدی، کلیله و دمنه، مجموعه‌ای از مثنوی‌های هفت منظر، شیرین و خسرو، لیلی و مجنون، تیمورنامه هاتفی، ابرار جامی، یوسف و زلیخای جامی، خمسه نظامی، دیوان سهیلی، خسرو و شیرین نظامی و مرقات (سرمدی، ۱۳۸۰: ۲۸۵-۲۸۶).

سیاوشانی، سیداحمد مشهدی، میرحسین کلنگی بخاری، عبدالخالق باخزری، میرحیدر حسینی تبریزی، مالک دیلمی، معین الدین محمد شریفی، میرمحمد معصوم، میرمحمد سمرقندی، حاجی میرک بخاری، میر دوری (سرمدی، ۱۳۸۰: ۹۱۵-۹۱۶). مهمترین آثار خوشنویسی که از او به یادگار مانده است عبارتند از: نسخه‌هایی از هفت اورنگ جامی، جام جم اوحدی، تیمور نامه هاتفی، نزهه العاشقین علی بن محمود، نصایح لقمان، مناجات حضرت امیر، ترجمه چهل حدیث، مناجات خواجه عبدالله انصاری، گلستان سعدی، بوستان سعدی، دیوان ریاضی، گوی و چوگان ریاضی، صفات العاشقین هلالی، یوسف و زلیخای جامی، مفردات کامل میرعلی تبریزی، لویح جامی (سرمدی، ۱۳۸۰: ۹۱۵-۹۱۶). همچنین از او کتیبه‌ای به قلم جلی در دارالسیاده بر در دارالحفاظ باقی مانده است (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۱۶۴).

عبدالصمد کاتب یکی دیگر از شاگردان سلطانعلی مشهدی است که در دربار امیرعلیشیر به کتابت مشغول بوده است. او علاوه بر خوشنویسی در شاعری، نقاشی و افشانگری نیز تبحر داشته است (سرمدی، ۱۳۸۰: ۳۸۹).

یافته‌های پژوهش

در دربار امیرعلیشیر، شعرا، عالمان و هنرمندان فراوانی حضور داشتند و امیر همواره مجالسی از علما و هنرمندان را تشکیل می‌داد که در این جلسات مناظره‌های علمی، ارائه آثار هنری و نقد و بررسی آن‌ها صورت می‌گرفت و بهترین فرصت برای امیر و دیگر هنرمندان و دانشمندان برای به رخ کشیدن هنر و دانش خویش بود. در اینگونه مجالس کاتبان برای ثبت وقایع حضور داشتند، از این‌رو یکی از ضرورت‌های توجه امیرعلیشیر به خطاطان همین مسأله ثبت و ضبط مجالس برای نشان دادن قدرت و برتری خویش نسبت به دیگران بوده است. برای این مدعا می‌توان به روایت واصفی در تعریف مجلس امیرعلیشیر و در باغ پرزه اشاره نمود. براساس این روایت بسیاری از هنرمندان و خطاطانی همچون مولانا محمد خوفی، خواجه میرک زعفران، مولانا بنایی و مولانا



تصویر ۳: مناجات امیرالمؤمنین به خط سلطان محمد خندان در موزه ملی ملک.

میرعلی هروی نیز از زمره شاگردان سلطانعلی مشهدی است که خطش را برابر با خط استاد می‌دانند (تصویر ۴) (منشی قمی، همان: ۶۱). میرعلی ابتدا در هرات نزد زین‌الدین محمود از شاگردان سلطانعلی آموزش دید و در آنجا رشد و نمو یافت. بعد از مدتی به مشهد رفت و «در مشهد مقدس خدمت سلطانعلی رسید و مشق و تعلیم گرفت» (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۱۶۴).



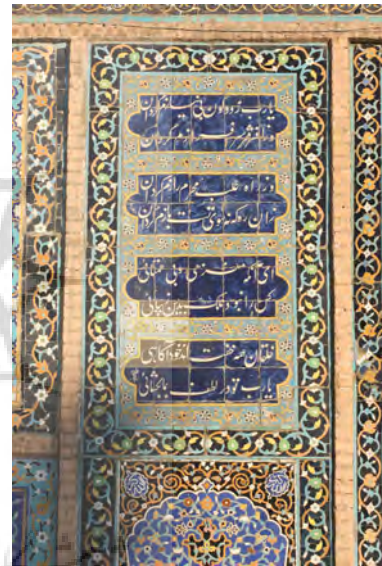
تصویر ۴: مرقع به خط میرعلی هروی در کتابخانه نسخ خطی اسلامی پربنستون.

میرعلی در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه سلطان و وزیرش امیرعلیشیر قرار گرفت. او در شعر، ساختن ماده تاریخ و معما نیز تبحر داشت و با جامی نیز مجالست داشت. در سایه حمایت‌های امیرعلیشیر، او توانست شاگردان زیادی تربیت کند که عبارتند از: میرمحمدباقر، خواجه محمود شهابی،

برای تبلیغ سیاسی در کنار تبلیغ فرهنگ و مذهب استفاده نمود. برای نمونه می‌توان به روایت خواندمیر در توصیف تعمیر و بازسازی مسجد جامع هرات توسط امیرعلیشیر اشاره نمود که نوشته‌است: «... به مدت یک سال کاری که به حسب تخمین و قیاس می‌بایست که در قرب پنج سال اختتام یابد در غایت پاکی و آراستگی تمام کردند» (خواندمیر، ۱۳۸۷: ۱۸۸). همچنین خواندمیر در مکارم/الأخلاق روایت کرده‌است: امیرعلیشیر خوشنویسی کتیبه‌های مسجد جامع هرات را به خواجه میرک محول کرد. او در نگاشتن کتیبه‌ها تعلل کرد و باعث شد کاشی‌تراشان بیکار بمانند. امیرعلیشیر به منظور غلبه یافتن بر این مسأله فرمان داد تا براتی ۵۰۰۰ دیناری برای خواجه میرک صادر کنند و احضاریه را به وی تحویل دهند. خواجه میرک با شرمساری به مسجد رفت و تقاضای لغو براتی را کرد، امیرعلیشیر به این شرط آن را قبول کرد که هرچه سریع‌تر کتیبه پایان یابد. خواجه میرک در خانه نشست و آن را ترک نکرد تا کار را پانزده روز بعد به اتمام رساند (خواندمیر، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۱۴۹). این روایت‌ها نشان می‌دهد تزئینات در معماری که هزینه‌های بسیاری را می‌طلبید وسیله‌ای برای نشان دادن قدرت و شوکت بانی بنا بود و امیرعلیشیر برای بهره‌بردن از هنر خطاطی در پیشبرد اهدافش به خوشنویسانی چون خواجه میرک، سلطانعلی مشهدی، میر علی هروی و... نیاز داشت. از این‌رو، از روایت ذکر شده می‌توان استنباط کرد که امیرعلیشیر به برخی از خطاطان نظیر خواجه میرک دلبستگی و علاقه خاصی داشته‌است. چرا که اکثر خطاطان مانند خواجه میرک در سایه توجه و حمایت‌های امیر «لوای انا و لاغیر به اوج سپهر برین رسانیده» (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۶۳) بودند. از طرف دیگر به سبب ارزش والای قرآن کریم به عنوان کلام وحی در نزد مسلمانان، استفاده از کتیبه‌ها به ویژه کتیبه‌های قرآنی، حدیثی، دعا و اسماء‌الهی در معماری نشان از اظهار ایمان، بندگی و عبودیت در پیشگاه خداوند دارند. از این‌رو امیرعلیشیر برای توجیه قانونی اقدامات خویش در نزد توده مردم، از هنر و ذوق خوشنویسان در اماکن عمومی نظیر مساجد و مدارس

عبدالواسع خطاط برجسته این عصر در این مجلس حضور داشتند (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۰۸-۴۰۳).

از دیگر دلایل توجه و لطف امیرعلیشیر به خطاطان را می‌توان علاقه وی برای ساخت بناهای عام‌المنفعه نظیر مدارس و مساجد جستجو کرد. با استناد به منابع تاریخی دوره تیموریان و صفویان مانند مکارم‌الاخلاق، بناهای بسیاری توسط امیرعلیشیر در قلمرو تیموریان احداث گردید که توسط هنرمندان و صنعتگران زمانش به بهترین وجه آراسته شدند، بویژه این بناها با ذوق و هنر خوشنویسان درآمیخته و به صورت کتیبه‌نویسی نمایان گشتند (تصویر ۵).



تصویر ۵: کتیبه دیوار مسجد جامع هرات
(مآخذ: دانشنامه تاریخ معماری ایرانشهر).

از کارکردهای خط، القای اندیشه‌ها و ارزش‌های هر جامعه است که در معماری به صورت نوشتن کتیبه‌های حاوی آیات قرآنی، احادیث، اشعار فارسی با بار اخلاقی، بهداشتی، معنوی و... برای ترویج مذهب، اصول اخلاقی و بهداشتی و نشان دادن قدرت مالی و سیاسی مورد استفاده قرار گرفته‌است. در دوره تیموری کتیبه‌ها از تزئینات جدائی‌ناپذیر در معماری بوده و حتی در مواقعی که هیچ مضمون تزئینی وجود نداشت، کتیبه‌ها به تنهایی نمایان می‌شدند (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۵۳). لذا امیرعلیشیر همانند اسلاف خویش از خط در بنا به عنوان ابزاری

استفاده کرده‌است، زیرا آن‌ها همانند آموزشگاهی عمومی عمل می‌کردند که بسیار تأثیرگذار بر آحاد مردم بود (تصویر ۶).



تصویر ۶: کتیبه محراب داخل مسجد جامع هرات
(مآخذ: دانشنامه تاریخ معماری ایرانشهر).

امیر را گزارش کرده‌است (ر.ک واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۶۹ و نیز: میرعلی نقی، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

نگارش کتیبه‌های قرآنی، حدیثی، دعایی و اسماء‌الهی در معماری، کارکرد مشروعیت بخشی داشت و همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، امیرعلیشیر که القاب و عناوینی نظیر «جناب هدایت مآب عالی قباب، زبده ارباب دین و دولت، قدوه اصحاب ملک و ملت، مؤسس الخیرات و موثق المبرات، رکن السلطنه، عماد المملکه، اعتضاد الدوله الخانی، مقرب الحضرة السطانی، نظام الحق و الحقیقه والدین، امیرعلیشیر ضاعف الله توفیقه» (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۶۶۸) داشت و شخص دوم مملکت پس از سلطان بود، برای بقا و القای مشروعیت خویش در نزد توده مردم به خوشنویسان و هنر آنان نیازمند بود.

- حمایت‌های مادی و معنوی امیرعلیشیر از خطاطان سبب رواج و رونق خوشنویسی شد و آن را به یک شغل پر درآمد تبدیل کرد. چنانکه افراد زیادی از اقصی نقاط کشور حتی ممالک دور دست نظیر ترکستان و قلمرو عثمانی نزد امیر آمدند و در شهر هرات، کانونی از خوشنویسان، مصوران، تذهیب کاران و... پدید آوردند که فن کتابت و شیوه‌های مختلف خوشنویسی را که همان سبک و روش دوره تیموری بود تکمیل کرده و خوشنویسی را به مقام رفیعی در عالم هنر رسانیدند، چنانکه مکتب هرات یا همان مکتب نوایی به شرق و غرب جهان سرایت و نفوذ کرد (نیرسینا، ۱۳۵۱: ۱۲۲). اهمیت و توجه به خط در این دوران سبب شد که مهارت و استادی خطاطان در فن کتابت، قیمت کتب خطی را تعیین کند، به گونه‌ای که در مهارت خط تنها زیبایی آن ملاک نبوده بلکه مطابقت آن با اصل نسخه بسیار حائز اهمیت بوده‌است (یگانیانس، ۱۳۲۷: ۴۱). این امر یعنی آداب کتابت و استنساخ برای امیر دارای اهمیت بوده و آن را همواره به خطاطان روزگارش تأکید می‌کرده‌است، چنانکه روایت است: «نوبتی مصحفی به خط یاقوت، ورقی چند از آن مفقود، در کتابخانه این امیر عاقبت محمود بود و خاطر اشرف آن حضرت متوجه تکمیل آن تحفه نفیسه گشته، خواجه حافظ محمد خطاط را

برای نمونه می‌توان به فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های امیرعلیشیر نوایی اشاره کرد که همانند مواضع سیاسی او، واکنش‌هایی را در میان فرهنگ‌مردان ایرانی داشت و افرادی مورد بی‌مهری او قرار گرفتند و از دستگاه او رانده شدند که می‌توان به مولانا خرمی، حاجی محمد نقاش، خواجه مسعود قمی و کمال‌الدین بنایی هروی اشاره کرد (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۲۲۲). شناخته‌ترین مخالف فرهنگی امیر، کمال‌الدین شیرعلی می‌باشد. او از شاعران و نویسندگان و خطاطان و موسیقی‌دانان پرآوازه هرات بود. به دلیل آنکه پدرش استاد محمد سبز معمار بود به بنایی شهرت یافت (مجتبوی، همان: ۲۳۷). او به سبب دلخوری امیر مجبور به ترک هرات شد و به خدمت سلطان یعقوب آق قویونلو درآمد. سبب رنجش امیرعلیشیر از بنائی به واسطه ذهن خلاق و تیزی و تندی زبان او بوده‌است که امیر تاب تحمل آن را نداشت. در حالی که نظر امیر در مورد رفتن بنایی از هرات به سبب: «خودپسندی و عجب و تکبر سبب تنفر مردم است زانرو طریق فقر و فنا اختیار نمود ... و بنابراین از مردم تشنیع شنید می‌شنید و چون تاب شنیدن نداشت همت بر نهضت و جلای وطن گماشت» (نوایی، ۱۳۶۳: ۲۳۲). نمونه‌ای از این تقابل را می‌توان در برخورد بنایی با امیرعلیشیر مشاهده کرد که حکایت هذل و هجوگویی بنایی نسبت به امیر و عکس آن دارد و واصفی بطور مفصل نمونه‌هایی از برخوردهای بنایی و

بهر تعلیم او دلم خون شد، تا خطش یافت صورت تحریر در حق او زرفته تقصیری، لیک او هم نمی‌کند تقصیر نیک و بد هر چه می‌نویسد او، همه را می‌کند به نام حقیر (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۵۹۶).

- ترغیب و تشویق سلطان حسین بایقرا و حمایت‌های مادی و معنوی امیر علیشیر نوایی وزیر دانشمند او از خطاطان نیز از اهم اسباب پیشرفت فن کتابت و شیوه‌های مختلف خوشنویسی در عصر تیموری بوده است (تاج بخش، ۱۳۸۱: ۳۶۹). چنان‌که تعدادی از خطاطان به دلیل حمایت سلطان و امیر توانستند جایگاه مهمی در نظام سیاسی، اجتماعی و مذهبی بدست آورند که می‌توان به خواجه محمد حافظ اشاره کرد که منصب امامت و پیش‌نمازی امیرعلیشیر را داشته است (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۶۱).

- همچنین توجهات و امکانات و موقعیت‌هایی که امیرعلیشیر برای خطاطان فراهم کرده بود، باعث شد اکثر کاتبان و خوشنویسان در گروه دانشمندان و ادیبان روزگار خود قرار گیرند و علاوه بر تبحر در خوشنویسی در هنرهای دیگر مانند نقاشی، شعر و موسیقی نیز مهارت داشته باشند و به تولید رساله‌های علمی بویژه در باب خوشنویسی و انواع خطوط بپردازند، *صراط السطور* سلطانه‌علی مشهدی و *مداد الخطوط* میرعلی هروی از این دسته‌اند (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۰).

نتیجه‌گیری

امیرعلیشیر که در شعر، موسیقی، نقاشی، تذهیب و کتابه‌نویسی مهارت داشت، محور حیات فرهنگی هرات بوده و این شهر را به مرکزی هنری تبدیل کرده است. او با احداث بناهای آموزشی مانند مدارس، سبب آموزش خوشنویسی، تربیت هنرآموزان و ترویج فرهنگ هنردوستی شده که تا امروز باقی مانده است. علاقه امیر به کتابت کتب جدید و خلق آثار هنری، علاقه به ثبت و ضبط مجالس و وقایع، علاقه به نگارش کتیبه‌های مختلف بناهای خیریه و مساجد برای نشان دادن قدرت و ماندگاری نام و تبلیغ دین بود و این اهداف سبب شد او از بزرگترین حامیان

فرمودند که آن اوراق را عوض نویسد. خواجه حافظ چند روز در تامل بود که آیا چه نوع توان کرد که ورق‌هایی که نوشته شود با سایر اوراق مصحف موافق افتد و کم و زیاده نیاید. در این اثنا مصحفی به خط مولانا شمس معروف، به دست آن حضرت افتاد و قطع و قلم آن را نزدیک به آن مصحف دیده، نزد خواجه حافظ فرستادند که آن اوراق را اگر از اینجا نقل نمایم ممکن که موافق افتد. اتفاقاً مولانا شمس معروف، آن مصحف را از همان مصحف خواجه یاقوت صفحه به صفحه و سطر به سطر نقل کرده‌بوده که یک حرف از هم تغییر نداشت. لاجرم نقل آن اوراق به سهولت میسر گشت» (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۵۴). همچنین روایت است: امیرعلیشیر نوایی کتابت دیوان قدیم جامی را به عبدالصمد کاتب سپرد، پس از اتمام کتاب، امیر نسخه را نزد جامی برد تا او مقابله کند. پس از چند روز جامی به امیر گفت که کاتب، کتاب را طوری نوشته که گویی التزام کرده است که مصرعی بی‌غلط ننویسد. امیر از جامی خواست تا خود آن را تصحیح کند، او نیز پذیرفت و پس از حک و اصلاح در پشت دیوان این قطعه را نوشت:

خوشنویسی چو عارض خوبان، سخنم را بخت خوب آراست
لیک هر جا در او زسهو قلم، گاه چیزی فزود و گاهی کاست
کردم اصلاح آن من از خط خوش، گرچه نامد چنانکه دل می‌خواست
هر چه او کرده بود با سخنم، من به خطش قصور کردم راست
(مایل هروی، ۱۳۷۲: ۸۰۳).

این روایت‌ها بیانگر ارزش و جایگاه نسخه‌های خطی به عنوان کالایی گرانبها در نزد امیرعلیشیر و اواخر دوره تیموری است، چنانکه در این دوره به سبب شهرت و تبحر خطاطان و بالا بودن قیمت نسخه‌های خطی، برخی از کاتبان و خوشنویسان ترقیمه (امضاء کاتب است که در آن نام کاتب، تاریخ اتمام کتابت و جزء آن آورده می‌شود) استادان خط را جعل می‌کردند، برای نمونه می‌توان به شکوه میرعلی هروی از شاگردش محمود شهابی اشاره کرد که گفته است:

خواجه محمود آن که یک چندی، بود شاگرد این فقیر حقیر
یاد دادم به او ز قلت عقل، آنچه دانستم از قلیل و کثیر

- چاپخانه چهره‌نما.
- بیانی، مهدی. (۱۳۶۳). **احوال و آثار خوشنویسان**. ج ۱-۲. تهران: علمی.
 - _____ . (۱۳۶۸). **مرقع گلشن**. تهران: انتشارات فرهنگسرا.
 - بیانی، شیرین. (۱۳۸۳). «سلطانعلی مشهدی و خط نستعلیق». کتاب **ماه هنر**. بهمن و اسفند. شماره ۷۷ و ۷۸. ص ۸۹-۸۸.
 - تاج‌بخش، احمد. (۱۳۸۱). **تاریخ تمدن و فرهنگ ایران**. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
 - حبیبی، عبدالحی. (۱۳۵۴). **هنر عهد تیموریان و متفرعات آن**. کابل: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
 - خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۴۵). **فصلی از خاتمه خلاصه الاخبار**. با مقدمه و حواشی و تعلیقات اعتمادی.
 - _____ . (۱۳۵۳). **تاریخ حبیب السیر**. ج ۴. تهران: انتشارات خیام.
 - _____ . (۱۳۷۲). **مآثرالملوک با ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی**. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
 - _____ . (۱۳۷۸). **مکارم الاخلاق**. به تصحیح و تحقیق محمداکبر عشیق. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
 - رضائی‌نبرد، امیررضا. (۱۳۸۹). **خوشنویسی**. نشر فارسیران.
 - زمچی اسفرازی، معین‌الدین. (۱۳۳۸). **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**. به کوشش محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
 - سرمدی، عباس. (۱۳۸۰). **دانشنامه هنرمندان ایران و اسلام از مانی تا کمال الملک**. تهران: هیرمند.
 - شمس فلاورجانی، مریم. (۱۳۸۵). «سلطانعلی مشهدی خوشنویسی در طلب معبود». **کتاب ماه هنر**. آذر و دی. شماره ۹۹ و ۱۰۰. ص ۹۵-۹۰.
 - عابدین پور جوشقانی، وحید. (۱۳۸۹). **فریدون اللهیاری و معصومه سمائی دستجردی**. «جایگاه خوشنویسی و خوشنویسان در جامعه عصر تیموری». **مطالعات اسلامی-تاریخ و فرهنگ**. سال چهل دوم. شماره پیاپی ۸۴. ص ۱۷۰-۱۴۰.
 - عالی‌افندی، مصطفی. (۱۳۶۹). **مناقب هنروران**. (توفیق ه. سبحانی، مترجم). تهران: سروش.
 - فراهانی‌منفرد، مهدی. (۱۳۸۱). **پیوند سیاست و فرهنگ در عصر**

هنر بویژه خوشنویسی در روزگارش باشد و خطاطان توانستند علاوه بر کسب تبحر در کتابت، در سایر هنرها و علوم، مهارت کسب کنند و آثار ارزشمندی نظیر **صراط‌السطور** (سلطانعلی مشهدی) و **مداد الخطوط** (میرعلی هروی) از خود به یادگار بگذارند. کتابخانه امیر که بزرگترین کتابخانه آن زمانه بود، بهترین جایگاه برای تثبیت موقعیت خطاطان بوده‌است که توانستند به مناصب مهمی در نظام سیاسی، اجتماعی و مذهبی برسند؛ نظیر خواجه محمد حافظ که به منصب امامت و پیش‌نمازی امیرعلیشیر رسید. امیرعلیشیر با صرف هزینه‌های زیاد، مسبب تألیف و تدوین نسخه‌ها و کتاب‌های نفیس در زمینه‌های مذهبی، علمی و تاریخی شد که به وسیله ماهرترین و برجسته‌ترین خطاطان و تذهیب‌کاران نوشته و تزیین گردیده و به عنوان میراثی از گذشته برای نسل امروز به یادگار مانده‌است. با حمایت‌های مادی و معنوی امیرعلیشیر، خوشنویسانی مانند سلطانعلی به چنان شهرتی رسیده بودند که سلاطین و بزرگان علاقه‌مند به هنر، مانند سلطان یعقوب آق قویونلو خواستار جمع‌آوری نسخه‌ها و آثار به خط آنها شدند. ترغیب و تشویق هنرمندان من جمله خطاطان از سوی امیر سبب تجمع تعداد بسیاری از خوشنویسان مشهور در دربار تیموری شد و این‌گونه سبب شد در این دوران، خوشنویسی به مقام رفیعی در عالم هنر رسد. با همه تلاش‌هایی که امیر در راه پیشرفت علم و هنر بویژه خوشنویسی انجام داده‌است، نباید جهت‌گیری‌های امیر در فرهنگ و هنر نادیده گرفته‌شود.

فهرست منابع

- آشتیانی، عباس. (۱۳۷۵). «میرعلی هروی خوش‌نویس صوفی مشرب». **هنر**. تابستان و پاییز. شماره ۳۱.
- اصفهانی، میرزاحبیب. (۱۳۶۹). **تذکره خط و خطاطان**. (رحیم چاوش اکبری، مترجم). تهران: کتابخانه مستوفی.
- اوکین، برنارد. (۱۳۸۶). **معماری تیموری در خراسان**. (علی آخشینی، مترجم). تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ایرانی، عبدالصمدخان. (۱۳۴۵). **پیدایش خط و خطاطان**. مصر:

زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.

• کاوسی، ولی‌الله. (۱۳۸۹). تیغ و تنبور. تهران: ترجمه و نشر آثار هنری.

• مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

• مجتوبی، حسین. (۱۳۸۹). هرات در عهد تیموری. مشهد: مرن‌دیز.

• منشی قمی، قاضی میراحمد. (۱۳۵۲). گلستان هنر. به تصحیح و

اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

• میرعلی نقی، علیرضا. (۱۳۷۸). «علی بن محمد معمار بنایی، خوشنویس،

شاعر، موسیقیدان و آهنگساز». مقام موسیقایی بهار. شماره ۴. ص ۱۲۰-

۱۲۳.

• نوایی، امیرنظام‌الدین علیشیر. (۱۳۶۳). تذکره مجالس النفاّس. به

سعی و اهتمام علی اصغر حکمت. چاپ گلشن.

• نیرسینا، هدایت. (۱۳۵۱). «درخشان‌ترین چهره دربار هرات». مجله

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. اسفند. شماره ۷۹-

۸۰. ص ۱۱۱-۱۳۲.

• واحد جوزجانی، محمدیعقوب. (۱۳۴۶). امیرعلیشیر نوایی «فانی». کابل:

نشر کرده تاریخ تولد (انجمن تاریخ).

• واصفی، زین‌الدین محمود. (۱۳۴۹). بدایع الوقایع. ج ۱ و ۲. تهران:

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

• واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف. (۱۳۷۹). خلد برین. تهران: مرکز

نشر میراث مکتوب.

• یگانانس، لیدیا. (۱۳۲۷). «میرعلیشیر نوایی و عصر او». نشریه

دانشکده ادبیات تبریز. شماره ۵. ص ۳۲-۴۶.

• www.iranshahrpedia.ir

The Role of Amir Alishir Navai in the Burgeoning of Calligraphy in Timurid Era (906-876 lunar year)

Mohammad Hassan Elahizadeh¹, Kobra Mohammaddoust Lashkami², Ali Najafzadeh³

1-Assistant Professor of History Department, University of Birjand

2-Master's degree student in History, University of Birjand

3-Member of Faculty and a Member of Afghanistan Studies Department, University of Birjand

Abstract

Timurid court was the center of flourishing of such arts as painting, architecture, illumination, book designing and music. Calligraphy and penmanship had special importance among the arts prevalent in this era. For this reason, numerous books and inscriptions have remained from this era as a result of skillful calligraphers' activity in different styles. Amir Alishir Navai, an aesthete vizier of Sultan Husayn Bayqara's time, was one of the special patrons of calligraphers and scribes and during his term of office, not only various books were written and illuminated, but also many buildings and constructions were decorated with inscriptions and Herat School turned into the golden age of calligraphy. The main question is that how Amir Alishir Navai's personality and insight had been effective in the burgeoning and emergence of the field of calligraphy. The answer to this question is to be found in his interest in the registering and recording of conferences and events, in making various inscriptions on charities and mosques to show their power and propagate their religion, in writing new books and also in his interest in creating works of art for gaining grandeur and power. Thus, in the present research in addition to the analysis of the position and place of calligraphers in Amir's court and the introduction of some of his most important contemporary calligraphers, the role of Amir's court in the burgeoning of this art is described. The method of present research is descriptive-analytical based on library resources.

Key words: Timurid era, Amir Alishir Navai, Architecture, Calligraphers, Khorasan.

1- Email: mhelahizadeh@birjand.ac.ir

2- Email: k.mohammaddost@yahoo.com

3- Email: anajaf@birjand.ac.ir